

آینه

نایب‌التراب

شهروندان و انتخابات مجلس

● ... به علت کیفی بودن قانون انتخابات و همین‌طور پیوند نداشتن نظام انتخابات با نظام حزبی به‌احتمال‌زیاد سردرگمی شهروندان ناشی از پراکندگی و تکثر نامزدهای ناشناخته افزایش خواهد یافت. قانون انتخابات باید وزن ملی و برند نامزدهای انتخابات را با معیارهای تخصصی و جهانی و پیوند نظام حزبی و نظام انتخابات بالا ببرد. در شرایط فعلی با تضعیف نقش احزاب فضا برای گروه‌ها و هویت‌های پراکنده و فرقه‌ای نقش ملی و اثربخش ایفا کند، باید بدیهیات پارکیری‌های محلی با دادن شعارها و وعده‌های خارج از قانون اساسی و ورای نمایندگی مجلس حرکت کرده‌اند. چنین فضایی رای‌آوری افراد ناشناخته و محلی را افزایش خواهد داد. برای اینکه مجلس قوی تشکیل شود و بتواند نقش ملی و اثربخش ایفا کند، باید بدیهیات علم سیاست را به کار گرفت؛ جایی که قواعد مشخص در مورد نظام انتخابات و نظام حزبی وجود دارد...

کیان

رأی‌ماحاج قاسم‌است

● **محمدهادی صحرایی**: ...امروزه شعارها و تبلیغات مشخص می‌کند که هر نامزد چه درونی دارد و چه انگیزه‌ای. کسی که برای ورود به مجلس، ده‌ها میلیارد هزینه می‌کند، معلوم است نماینده مردم نیست، فرصت‌طلب، فرستاده احزاب، نفوذی صاحبان ثروت پادآورده و یا مامور دشمن برای به باد دادن امیدهاست. کسی که با چپ چپ و با راست راست و با اعتدال، بنفشه می‌شود معلوم است که حزب باد است... واقعیت این است که حاج قاسم به ما گفت که سرباز وطن کیست و امین امام و امت یعنی چه؟ مردم، مسئولان را با او می‌سنجند. صداقتش را پسندیدند، مراشش را دوست دارند، تواضعش را عشق و صراحتش را مدح می‌کنند، دشمن‌شناسی‌اش را تحسین و تداوم راهش را مطالبه می‌کنند و این را می‌توان از شعارهای انتخاباتی امسال دید. اصلا به همین دلیل است که نامزدهای انتخاباتی از اصولگرا و اصلاح‌طلب و اعتدالی قهמידهند هر نگاه امیدوارانه به خارج از مرزا و دل بستن به وعده‌های غریبه، ذلت و خفت و آوارگی بین کشورها را به دنبال دارد و جواب‌های خوارکننده.

لخت

بازی امنیتی با اقتدار مجلس

● **حمزه پاریاب**: ...درگرونی عمیق در بنیادهای سیاسی و فکری جامعه با ایجاد نهادهای تماما منتخب مردم همچون مجلس شورای اسلامی در افکار عمومی ماندگار شده و با وجود ضعف سازمان‌های حزبی و سازمانی مدرن، این نهاد با توفیق در بسیج منابع محلی و مقابله با بحران‌های متنوع منطقه‌ای در سال‌های گذشته نقش چشمگیری در پیوند مردم با ارکان قدرت نظام داشته است. مصادیقی بعضا مشهور از طیف‌های مختلف سیاسی که در تکانوی ورود به بهارستان هشتاد و نه تصویف این قوه متفق‌القول شده‌اند اما به این راه‌آورد توجه نمی‌کنند که اگر چسبندگی قلیی و علقه ذهنی مردم با مجلس را تقویت نکنیم و با این رویه بر خلاف چنین ضرورتی بکوشیم از دست دادن و مایوس شدن آحاد جامعه از نهادهای تبدیل به واکنش‌های مغایر با امنیت ملی خواهد شد؛ همچنان‌که مایوس شدن مردم از دستگاه قضائی باعث تقویت رفتارهای خودسرانه و غیرقانونی می‌شود. بر این اساس، تحلیل کارشناسی در خصوص نوشته‌ها و سخنانی که در آینده اقتدار یا کارآمدی مجلس را هدف می‌گیرند، چیزی جز کاشی مشارکت و از بین بردن امید به اصلاح و پیشرفت را نشان نمی‌دهد که نتیجه مستقیم روی امنیت ملی کشورمان دارد. تفکیک آرا و رفتار رای‌دهندگان در انتخابات‌های کشورمان نشان می‌دهد، بخش قابل توجهی از این افراد همان کسانی هستند که اصطلاح طیف خاکستری به آنها اطلاق می‌شود و یکی از مهم‌ترین خصایص آنها، نداشتن پیش‌داوری درباره جناح‌های سیاسی متعارف کشور است.

سیاست

فرجام اشتباهات استراتژیک



مه‌دی کاروبی، نویسندهٔ کتاب «فرجام اشتباهات استراتژیک»

و در خفا فرمولی پیدا می‌کنیم. این روش عمل‌گرایانه به تعبیری، پراگماتیسم سیاسی است؛ اگر آن روش اقتصادی-سیاسی را نتولیرالایسم بنامیم. این روش‌ها باید نقد شوند تا اصلاحات ساختاری اساسی جدی که تنها راه درست است؛ چون نه براندازی و خشونت جواب می‌دهد و نه جنگ داخلی. چراکه نظام از دل جامعه و انقلاب برخاسته است؛ بنابراین تنها راه، اصلاحات اساسی است که البته باید بنیادی یا ساختاری باشد. اصلاحات از بینش شروع می‌شود؛ به شرط آنکه منش مشکل نداشته باشد.

✎ پس شما اساسا مخالف حضور اصلاح‌طلبان در قدرت نیستید؛ اما شرط دارید: اینکه اگر اصلاح‌طلبان می‌خواهند در قدرت حضور داشته باشند، بهتر است به جای اینکه عمل‌گر باشند، برای ماندگاری‌شان در قدرت تلاش کنند. در واقع معتقدید اگر حضورشان در قدرت موجب تقویت نهادهای مدنی باشد، اشکالی ندارد.

گفتم که یکی از مشکلات ساختاری در خود قانون وجود دارد که بین نهادهای مختلف رقابت به وجود می‌آید. خب، این ساختار را چطور باید اصلاح کرد؟ از نظر قانون اساسی باید بازبینی شود که اگر می‌گوییم حاکمیت مردم و اراده مردم تصمیم می‌گیرد، اینجا باید شورای فقها فقط در این‌س حد می‌بود که با اسلام تناقضی نداشته باشد؛ همان‌طور که در قانون مشروطیت هم بود. منظور از اسلام، یعنی از نظر فقهی آشکارا خلاف شرع نباشند. این بیش بسیاری از علما و حکما است. بیش دیگر این است که مشروعیّت و نمایندگی در واقع از اراده مردم برمی‌آید. به‌این‌دلیل هم مردم،سالاری در مقایسه با ریستوکراسی‌ها، الیگارشی، سلطنت‌ها و تیرانی یعنی اقلیت‌ها در قالب ثروت، نیروی نظامی و حتی دانش (حکومت حکیمان) و... ارجح است؛ حکومت فلاسفه- به قول افلاطون - اما ما می‌گوییم دموکراسی. آنها در مقایسه با مردم ادعای برتری دارند، به قول شریعتی سایه و آیه و مایه نماینده سه‌گانه زر و زور و تزویر در طول تاریخ، ما می‌گوییم ملوک‌التیاس، الله‌التیاس، رب‌التیاس، بینش قرآنی- توحیدی این را به ما می‌آموزد که مردم نماینده خدا هستند و در حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی می‌توانیم مردم را جانشین کنیم. وقتی می‌گوید به خدا قرض دهیم؛ یعنی به مردم قرض دهیم. تودوا الا امانات الا الهلها (تسا ۵۸). یعنی این امانات از آن مردم بوده که باید به اهلش داده شود. اینجا بحث کلامی-فلسفی است؛ اما از نظر حقوقی این دوگانگی باید اصلاح شود و این یک اصلاح بینشی اساسی است. اینکه چطور باید این کار انجام شود، در تاریخ هم نمونه‌های دموکراتیک و هم خشونت‌بار فراوان است. در جایی مثل فرانسه که سلطنت فنودالایسم سرکوب‌گرانه عمل می‌کنند، می‌بینیم که با کسب‌ت‌های جدی تاریخی مواجه و انتقال قدرت با خشونت همراه می‌شود و به قول هانا آرن‌ت یک نظم ریشه‌ای و خشن جدید به وجود می‌آید. خشن از این نظر که روش‌های قدرت به کار بریم؛ ولی در واقعیت می‌بینیم که این شکل‌ها نیستند که مهم‌اند؛ بلکه واقعیت مهم است. به، سلطنت‌های هم داندشاییم که می‌توانند در آینده نتواند در برابرش مقاومت کند. این سنت البته در زمان مرحوم هاشمی شروع شد. چون وقتی ایشان بود، کارهایی می‌شد که خلاف سیاست رسمی بود. مثلا دولت برای حل تضادها در وین وارد مذاکره می‌شد یک‌دفعه در داخل مورد حمله قرار می‌گرفت. این دوگانگی مشخص بود؛ اما چرا هیچ برخوردی با آن نمی‌شد. این تناقضات، در سطح بین‌المللی سؤال‌برانگیز می‌شود.

در داخل هم باید مطرح شود؛ مثل پرونده هواپیمای بین‌المللی می‌شود و نمی‌توان گفت سکوت می‌کنیم یا نه. این روش عمل‌گرایانه به تعبیری، پراگماتیسم سیاسی است؛ اگر آن روش اقتصادی-سیاسی را نتولیرالایسم بنامیم. این روش‌ها باید نقد شوند تا اصلاحات ساختاری اساسی جدی که تنها راه درست است؛ چون نه براندازی و خشونت جواب می‌دهد و نه جنگ داخلی. چراکه نظام از دل جامعه و انقلاب برخاسته است؛ بنابراین تنها راه، اصلاحات اساسی است که البته باید بنیادی یا ساختاری باشد. اصلاحات از بینش شروع می‌شود؛ به شرط آنکه منش مشکل نداشته باشد.

گفتم که یکی از مشکلات ساختاری در خود قانون وجود دارد که بین نهادهای مختلف رقابت به وجود می‌آید. خب، این ساختار را چطور باید اصلاح کرد؟ از نظر قانون اساسی باید بازبینی شود که اگر می‌گوییم حاکمیت مردم و اراده مردم تصمیم می‌گیرد، اینجا باید شورای فقها فقط در این‌حد می‌بود که با اسلام تناقضی نداشته باشد؛ همان‌طور که در قانون مشروطیت هم بود. منظور از اسلام، یعنی از نظر فقهی آشکارا خلاف شرع نباشند. این بیش بسیاری از علما و حکما است. بیش دیگر این است که مشروعیّت و نمایندگی در واقع از اراده مردم برمی‌آید. به‌این‌دلیل هم مردم،سالاری در مقایسه با ریستوکراسی‌ها، الیگارشی، سلطنت‌ها و تیرانی یعنی اقلیت‌ها در قالب ثروت، نیروی نظامی و حتی دانش (حکومت حکیمان) و... ارجح است؛ حکومت فلاسفه- به قول افلاطون - اما ما می‌گوییم دموکراسی. آنها در مقایسه با مردم ادعای برتری دارند، به قول شریعتی سایه و آیه و مایه نماینده سه‌گانه زر و زور و تزویر در طول تاریخ، ما می‌گوییم ملوک‌التیاس، الله‌التیاس، رب‌التیاس، بینش قرآنی- توحیدی این را به ما می‌آموزد که مردم نماینده خدا هستند و در حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی می‌توانیم مردم را جانشین کنیم. وقتی می‌گوید به خدا قرض دهیم؛ یعنی به مردم قرض دهیم. تودوا الا امانات الا الهلها (تسا ۵۸). یعنی این امانات از آن مردم بوده که باید به اهلش داده شود. اینجا بحث کلامی-فلسفی است؛ اما از نظر حقوقی این دوگانگی باید اصلاح شود و این یک اصلاح بینشی اساسی است. اینکه چطور باید این کار انجام شود، در تاریخ هم نمونه‌های دموکراتیک و هم خشونت‌بار فراوان است. در جایی مثل فرانسه که سلطنت فنودالایسم سرکوب‌گرانه عمل می‌کنند، می‌بینیم که با کسب‌ت‌های جدی تاریخی مواجه و انتقال قدرت با خشونت همراه می‌شود و به قول هانا آرن‌ت یک نظم ریشه‌ای و خشن جدید به وجود می‌آید. خشن از این نظر که روش‌های قدرت به کار بریم؛ ولی در واقعیت می‌بینیم که این شکل‌ها نیستند که مهم‌اند؛ بلکه واقعیت مهم است. به، سلطنت‌های هم داندشاییم که می‌توانند در آینده نتواند در برابرش مقاومت کند. این سنت البته در زمان مرحوم هاشمی شروع شد. چون وقتی ایشان بود، کارهایی می‌شد که خلاف سیاست رسمی بود. مثلا دولت برای حل تضادها در وین وارد مذاکره می‌شد یک‌دفعه در داخل مورد حمله قرار می‌گرفت. این دوگانگی مشخص بود؛ اما چرا هیچ برخوردی با آن نمی‌شد. این تناقضات، در سطح بین‌المللی سؤال‌برانگیز می‌شود.

در داخل هم باید مطرح شود؛ مثل پرونده هواپیمای بین‌المللی می‌شود و نمی‌توان گفت سکوت می‌کنیم یا نه. این روش عمل‌گرایانه به تعبیری، پراگماتیسم سیاسی است؛ اگر آن روش اقتصادی-سیاسی را نتولیرالایسم بنامیم. این روش‌ها باید نقد شوند تا اصلاحات ساختاری اساسی جدی که تنها راه درست است؛ چون نه براندازی و خشونت جواب می‌دهد و نه جنگ داخلی. چراکه نظام از دل جامعه و انقلاب برخاسته است؛ بنابراین تنها راه، اصلاحات اساسی است که البته باید بنیادی یا ساختاری باشد. اصلاحات از بینش شروع می‌شود؛ به شرط آنکه منش مشکل نداشته باشد.

در اندیشه، منش، تاکتیک و استراتژی صورت نگیرد و تشکل و سازماندهی جدیدی نباشد که روشن و شفاف باشد و نیروها سالم باشند، نمی‌توانند با روش‌های گذشته به مردم فراخوان دهند که بسیج شوند. اصلا این انقلاب چرا صورت گرفت و اهدافش چه بود، آیا به اهداف مورد نظر رسیدیم؟ الان چهل‌ویکمین سالگرد انقلاب است. نیروهایی که در انقلاب شرکت کردند و چشم‌اندازهایی که جامعه‌داشت باید بررسی جدی شود که آیا در زمینه استقلال، عدالت و توسعه به نتیجه مورد نظر رسیدیم یا نه؟ در همه ابعاد آرمان جی بود و چی شد؟ و الان چالش‌های موجود در کجا آمده. پیشرفت‌ها و پسرقت‌ها چه بوده. در جنبش‌های گذشته این کار را می‌کردند و اسمش را می‌گذاشتند جمع‌بندی علل شکست مبارزات گذشته.

پس باید تشکل درست کنیم. یا مبارزات صرفا سیاسی بوده و هیچ مبنای فکری و عقیدتی نداشته پس باید آیدنولوژی و جهان‌بینی داشته باشیم. یا تشکیلات نبوده و... تدروی‌ها و کندروی‌ها را نقد و جمع‌بندی می‌کردند و اینکه چه روش‌هایی برای آینده باید در پیش بگیریم. یک چنین جمع‌بندی در اصلاح‌طلبان ندیده‌ام. در آینده شاید بتوانند کنگره‌ای داشته باشند. شما هم به عنوان یک نشریه اصلاح‌طلب، البته سخت است در ایران و این سنت را خیلی نداشته‌ایم و ندیده‌ایم کسی خود را نقد کند.

✎ نمی‌توانیم شرایط ایران را با وقایع تاریخی، خیلی منطبق کنیم. بالاخره حکومتی داریم برآمده از انقلاب و هنوز شیوه‌های دموکراتیک در آن کار می‌کند.

ریختن ترس و جسارت در بیان نسبت به مسئولیت‌ها.

✎ ایسن، تحلیل‌های ما را درباره شرایط کنونی و آینده‌مان دشوار می‌کند. نمی‌توانیم بگوییم اگر الان اصلاح‌طلبان کنار رفتند بعد از پروسه‌ای دوباره اصلاح‌طلبان می‌آیند؛ تضمینی وجود ندارد.

یعنی غیرقابل پیش‌بینی است.

✎ یعنی هم دموکراتیک هستیم و هم نیستیم. دولت انقلابی هستیم و برای آزادی و عدالت مبارزه کرده‌ایم. کل جناح‌های سیاسی برای آزادی مبارزه کرده‌اند. به نظرم ارجاع به گذشته‌های حتی دوره پهلوی، ارجاع تاریخی درستی نیست.

همین انقلاب باید از اول بازبینی شود که چه می‌خواسته و چه شده است.

✎ شاید بتوانیم برخی موارد را با دوره مصدق قیاس کنیم اما سا دوره‌های پهلوی اول و دوم نمی‌توانیم به راهکار درستی برسیم.

بله، هرچه جلوتر بپاییم اطلاعاتمان از تاریخ دقیق‌تر است. اما نسبت به ۴۰ سال گذشته باید جمع‌بندی داشته باشیم.

✎ سؤالم را صریح‌تر می‌پرسم. به نظراتن همان آینده‌ای را که برای ملی مذهبی‌ها به وجود آمد،

برای اصلاح‌طلبان پیش‌بینی نمی‌کنید؟

باید دید منظورات از نیروهای ملی مذهبی کیست. نیروهای ملی مذهبی، اصطلاحی است که در ادبیات سیاسی پیش از انقلاب اولین‌بار به کار رفت. مجموع نیروهایی بودند که در نهضت ملی بودند و نهضت مذهبی هم بعدا اضافه شد و نیروهای ملی و مذهبی نامیده می‌شدند، اما به‌طور خاص منظور بخشی از نیروهای نهضت ملی پیرو مصدق بودند که مذهبی بودند مثل طالقانی، رنجانی که نهضت مقاومت ملی را درست کردند و شخصیت‌های تاریخی مثل شریعتی، بازرگان، سحابی و... جناح‌های مختلف تا مجاهدین جزء همین مجموعه بودند. بعد از انقلاب هم اینطیفی بودند که در دوره‌های انتخاباتی خواستند این طیف را متشکل کنند و مشارکت هم کنند. اما طیفی است که گرایش‌های متنوع دارد.

✎ مثل اصلاح‌طلبان که طیف هستند.

اصلاح‌طلب مثل مشروطه‌خواه است. در خارج از کشور جناح معتدل سلطنت‌طلبان می‌گویند

مشروطه‌خواه هستند. یعنی باید سلطنتی باشد که اینجا جناح اصلاح‌طلبش باشند و مشروطه بخواهند. مشکل بحث این است که سلطنت اصلش از بین رفته اصلا اینها چه‌چیزی را می‌خواهند اصلاح کنند. دوره تاریخی‌اش هم منقضی شده است. تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی هست یک جناح اصلاح‌طلب هم در کنارش وجود دارد که می‌خواهد ساحت جمهوری خواهانه و دموکراتیک را تقویت و اصلاح کند. اصلاحات تا زمانی معنی دارد که اصلاح ممکن باشد و این زمان اجتماعی هم محدود است. تروتسکی می‌گوید اگر انقلاب اکتبر یک روز زودتر یا دیرتر اتفاق می‌افتاد، پیروز نمی‌شدیم. در ۲۲ بهمن هم اگر این اتفاق یک روز زودتر یا دیرتر می‌افتاد ما هم پیروز نمی‌شدیم. سولیوان در خاطراتش می‌گوید ژنرال‌ها می‌خواستند ۲۲ بهمن جمع شوند و حکومت نظامی اعلام کنند اما آن روز آن‌قدر شلوغ بود که به هم نرسیدند تا جلسه برگزار کنند. در واقع لحظه تاریخی خیلی دقیق است. اصلاحات هم عمری دارد. هر رخداد تاریخی زمان‌بندی خاص وقوع خود را دارد. اصلاحات هم اگر در زمان خودش انجام نشود، زمانش می‌گذرد و فقط کلکسیونی از تلاش‌ها و فعالیت‌ها خواهد ماند.

برگ سبز خودرو پژو SLX۴۰۵ رنگ سفید روغنی مدل

۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۹۹-۵۵۹ ی ۲۲ و شماره

موتور ۰۸۷۶۲۷B۰۱۶۶۰ و شماره شاسی

NAAM۳۱FEXGK۲۵۹۸۰۱ به نام مصطفی خلیلی فر

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

روشنه

دادستانی تهران ادعای آزارو شکنجه نیلوفر بیانی را تکذیب کرد

● روز چهارشنبه هفته گذشته، نامه‌ای منتسب به یکی از فعالان محیط زیست منتشر شد که در آن ادعا شده در مدت دو سال بازجویی، بارها شکنجه شده است.

نامه‌ای که بهمن سال گذشته از سوی این فعال محیط‌زیستی نوشته شده است، راجع به انواع آزارهای جسمی و کلامی برای اعتراف اجباری بوده است که انعکاس محتوای این نامه منجر شد جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور، وعده رسیدگی به این نامه را در جلسه این هفته هیئت دولت بدهد.

اکنون دادستانی تهران به ادعای یکی از متهمان پرونده جاسوسان محیط‌زیستی، اطلاعاتیه‌ای صادر و محتوای نامه منتشرشده را نیز تکذیب کرده است. البته در اطلاعیه دادستانی توضیح داده نشده است که یک متهم در بند، برای اثبات ادعای آزار چه مدارکی می‌تواند داشته باشد و آیا اصولا ممکن است یک زندانی برای ادعای آزار کلامی و تهدید برای اعتراف اجباری بتواند مدارک مکتوب و محکمه‌پسند یا شاهد فراهم کند یا خیر. روابط‌عمومی دادستانی تهران درباره مسائل مطرح‌شده درباره یکی از متهمان پرونده جاسوسی از مراکز نظامی تحت پوشش محیط زیست اطلاعیه‌ای صادر کرد.

در پی ادعاهای مطرح‌شده از سوی یکی از محکومان به جاسوسی به نام خانم نیلوفر بیانی بلافاصله هیئت قضائی از سوی دادستانی تهران مامور بررسی موضوع شدند که با وجود مراجعه این هیئت به زندان برای شنیدن توضیحات، ادله و استنادات احتمالی نام‌برده درباره ادعاهای منتشرشده در فضای مجازی، متأسفانه خانم بیانی حاضر به بیان هیچ‌گونه توضیحی دراین‌باره نشد.

لازم به ذکر است که به دلیل حساسیت‌های موجود در این پرونده و ادعاهای مطروحه در دو سال گذشته از سوی اشخاص و گروه‌های مختلف داخلی و خارجی، بازجویی‌های انجام‌شده از سوی ضابطان به صورت تصویری ضبط شده و از سوی نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، حفاظتی و نظامی بازرسی‌های گسترده و کم‌سابقه‌ای از عملکرد ضابطان انجام شده است.

بنابراین انتشار عمومی این ادعاها پس از گذشت حدود دو سال از بازداشت متهمه در آستانه انتخابات و بلافاصله پس از اعلام قطعیت حکم محکومان این پرونده و عملیات رسانه‌ای پرچم از سوی رسانه‌های معاند خارجی و متأسفانه همراهی برخی افراد داخلی در تکرار این اتهام‌افکنی‌ها و اینکه خانم بیانی از هرگونه ادای توضیح و استدلال در این زمینه استسکاف می‌کند، نشان از یک اقدام برنامه‌ریزی‌شده دارد؛ اما با توجه به حساسیت دستگاه قضائی درباره لزوم رعایت کرامت همه افراد به‌ویژه حقوق قانونی متهمان و محکومان و زندانیان در کمتر از ۲۴ ساعت رسیدگی درباره ادعاهای مطروحه در دستور کار قرار گرفته است.

بااین‌همه در پایان لازم به ذکر است که این دادستانی همواره آمادگی داشته و دارد تا به هرگونه ادعای مطرح درباره تخلفات احتمالی ضابطان علیه این متهم یا هر فرد دیگری نیز رسیدگی کند؛ درعین‌حال نباید اجازه داد تا افکار عمومی جامعه با نشر اکاذیب و اتهام‌افکنی‌های بی‌استناد، مشوش و متاثر شود.

تحویل ۸ فروند هواپیمای نظامی به نیروی هوایی ارتش



● **ایسنا**: با حضور وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی ارتش، هشت فروند انواع هواپیماهای نظامی شرقی، غربی و اروپایی اورهال و بازآماده‌سازی‌شده به ارتش جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شد.

امیر سرایت حاتمی در این مراسم که در مجموعه سازمان صنایع هوایی وزارت دفاع برگزار شد، گفت: کشورهای صاحب فناوری به دلیل تهدیدات و تحریم‌های همه‌جانبه و جنگ تمام‌عیار اقتصادی که از سوی آمریکا و هم‌پیمانش در طول ۴۰ سال گذشته به شکل‌های گوناگون به ایران اسلامی تحمیل شد، از ارائه کوچک‌ترین قطعات مورد نیاز و هرگونه خدماتی به ناوگان هوایی نیروهای مسلح خودداری کردند.

وزیر دفاع افزود: در ۴۰ سال گذشته اقدامات مهم و تعیین‌کننده‌ای در حوزه هوایی صورت گرفته است.